

# ماهیت حقوقی جنایات ارتكابی بر مسلمانان فراموش شده میانمار

محمد رضا دانش شهرکی،<sup>1</sup> نادر مردانی<sup>2</sup>

## چکیده

از چندین دهه پیش تاکنون، در نتیجه خشونت‌های ارتكابی علیه اقلیت قومی مسلمانان در کشور برمه، هزاران نفر از مسلمانانی که از خشونت‌های جدی و گسترده جان سالم به در برده‌اند، در سطح ایالت راخین در اردوگاه‌ها آواره شده یا به کشورهای مجاور مانند بنگلادش متواری شده‌اند و در آنجا در شرایط سخت و در نبود امکانات اولیه برای زندگی متعارف، سکونت دارند. به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی جنایات، هدف از خشونت‌های ارتكابی علیه مسلمانان مظلوم میانمار، پاک‌سازی قومی است. جنایاتی که هم از سوی گروه‌های مردمی افراطی صورت می‌گیرد و هم در موارد متعددی دولت مستقر میانمار، فراتر از حمایت جنایت‌کاران خود مباشر این خشونت‌هاست. این نوشتار در پی یافتن ماهیت اعمال خشونت‌آمیز علیه مسلمانان میانمار از منظر بین‌المللی است تا در نهایت بتوان راهکاری در راستای حمایت از آنان براساس ماهیت اعمال ارتكابی معین کرد.

**واژگان کلیدی:** نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، میانمار، حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بشر.

1. دانشجوی دکتری حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز / [mrezadanesh.sh@ut.ac.ir](mailto:mrezadanesh.sh@ut.ac.ir)

2. عضو هیئت علمی گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز / [dmadermardani@gmail.com](mailto:dmadermardani@gmail.com)

## مقدمه

اقلیت قومی روهینگیا، مسلمانانی هستند که خاستگاه نژادی‌شان در امتداد مرزهای برمه و بنگلادش واقع شده است. براساس منابع معتبر، مسلمانان روهینگیا پیش از استقلال برمه از استعمار بریتانیا در سال 1948 و حتی پیش از دوره استعمار، در ایالت راخین (در میانمار) ساکن بوده‌اند (روستایی و آرش‌پور، 1395: 46)؛ ولی بوداییان ملی‌گرای افراطی منکر این دیدگاه هستند و مردم روهینگیا را مهاجران غیرقانونی قلمداد می‌کنند که از بنگال شرقی به استان راخین مهاجرت کرده‌اند (Chan & Zan, 2005). اگرچه اختلاف‌های شدیدی درباره میزان جمعیت مسلمانان برمه وجود دارد، ولی با توجه به اختلاف در آمارها به نظر می‌رسد دست‌کم نزدیک به دو میلیون نفر مسلمان در این کشور وجود دارد. امروزه جمعیت مسلمانان روهینگیا مستقر در ایالت راخین، تقریباً بیش از یک میلیون نفر است که بیشترشان فاقد تابعیت هستند (Szep & Marshall: 2013). در واقع دولت برمه از انجام وظیفه قانونی خود در دادن تابعیت به این گروه از شهروندان، سر باز زده است.

طی چندین دهه گذشته تاکنون، دولت برمه در راستای اخراج مسلمانان روهینگیا از این کشور یا انتقال آن‌ها به اردوگاه‌هایی که دور از خانه‌هایشان قرار دارد، تلاش‌های فراوانی کرده است و همچنان نگرانی‌های جدی درباره تلاش این کشور برای جداسازی جمعیت بوداییان و مسلمانان و پاک‌سازی قومی مسلمان روهینگیا از ایالت آراکان، وجود دارد (Human Rights Watch, 2013: 16). واقعیت‌ها حاکی از آن است که مسلمانان روهینگیا طی دهه‌های اخیر در معرض سیاست‌های تبعیض‌آمیز، خشونت‌های بی‌رحمانه و بی‌توجهی دولت برمه به انجام وظایف قانونی در قبال شهروندان قرار داشته‌اند که در نهایت به پاک‌سازی قومی آنان انجامیده است. اینکه چه ارتباطی میان پاک‌سازی قومی و جنایات علیه بشریت (تبعید و انتقال اجباری) و نسل‌زدایی وجود دارد، پرسشی است که این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به آن است.

## 1. پاک‌سازی قومی

پاک‌سازی قومی<sup>1</sup> عبارت است از حذف اجباری سازمان‌یافته گروه‌های قومی، نژادی یا مذهبی از یک قلمرو معین توسط گروهی قدرتمندتر، با هدف همگن‌سازی و ایجاد تشابه میان گروه‌های مختلف (Rubenstein, 2008: 24). هرچند برخی معتقدند پاک‌سازی قومی ریشه‌ای تاریخی دارد، ولی باید

## 1. Ethnic Cleansing

گفت نخستین بار در دهه 90 قرن بیستم و در پی نسل‌زدایی‌هایی که در خلال فروپاشی یوگسلاوی سابق رخ داد، این موضوع وارد ادبیات جدید سیاسی شد. شاید بتوان گفت پاک‌سازی قومی نوعی نسل‌زدایی است که برای زدودن قومی معین از منطقه جغرافیایی خاصی صورت می‌پذیرد و اغلب سبب تغییر جغرافیای قومی، نژادی و مذهبی آن منطقه جغرافیایی می‌شود. مهم‌ترین وجه شباهت نسل‌زدایی و پاک‌سازی قومی در نابودسازی خشونت‌بار گروه‌هاست. با توجه به آنکه پاک‌سازی قومی در مجامع بین‌المللی فاقد تعریف رسمی است، نمی‌توان به درستی تفاوت محکم‌پسندی را میان نسل‌زدایی و پاک‌سازی قومی در نظر گرفت. البته انگیزه بیشتر پاک‌سازی‌های قومی در عصر مدرن، یکدست‌سازی یا همسان‌سازی ترکیب دینی، قومی یا نژادی در منطقه‌ای معین بوده است؛ در حالی که در قرون وسطی تا اوایل دوران نوین، انگیزه این‌گونه پاک‌سازی‌ها بیشتر بر توجیحات و انگیزه‌های مذهبی استوار بوده است. باید توجه داشت پاک‌سازی قومی نه تنها می‌تواند به حذف اجباری گروه‌های قومی بیانجامد، بلکه می‌تواند به حذف گروه‌های مشابه مرتبط به جز اقوام نیز ارتباط بیابد (روستایی و حق سرشت، 1392: 51).

## 2. جنایت علیه بشریت

اصطلاح «جنایات علیه بشریت»<sup>1</sup> به دلیل ابهام در واژه «بشریت» که می‌تواند به معنای نوع بشر (به طور جمعی همه انسان‌ها) یا ارزش انسان بودن باشد، دارای ابهام است؛ هر چند تاریخ استفاده از این اصطلاح نشان می‌دهد معنای اخیر درباره آن در نظر گرفته شده است (Luban, 2004: 86). این اصطلاح نخستین بار توسط جورج واشینگتن ویلیامز در رساله‌ای به سال 1890، برای توصیف اقدامات دولت لئوپولد دوم بلژیک در دولت آزاد کنگو به کار رفت (Hochschild, 1999: 96). در حقوق معاهدات، این اصطلاح از کنوانسیون دوم لاهه در مقدمه 1899 سرچشمه گرفت و در کنوانسیون چهارم لاهه در مقدمه 1907 و مقررات مربوط به آن‌ها که با تدوین قوانین جدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی در ارتباط بود، گسترش یافت. در مقدمه این دو کنوانسیون، «قوانین بشریت» بیانگر ارزش‌های بنیادی انسان‌گرایانه دانسته شده‌اند (Cherif Bassiouni, 2011: 86).

به موجب بند اول ماده 7 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، تنها آن دسته از جنایات فهرست شده‌اند

### 1. Crimes Against Humanity

ماهیت حقوقی جنایات ارتكابی بر مسلمانان فراموش شده میانمار

که «به‌عنوان بخشی از حمله‌ای گسترده و نظام‌مند با هدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیرنظامی» ارتکاب می‌یابند. این‌ها جنایات‌های توده‌واری هستند که علیه جمعیتی غیرنظامی ارتکاب می‌یابند. جدی‌ترین شکل این جنایات را می‌توان کشتار گروه‌های مردمی دانست که با نزدیکی با مفهوم «ژنوساید» می‌یابد اما جنایت علیه بشریت مفهومی وسیع‌تر از آن است. جرایم علیه بشریت هم می‌توانند در زمان صلح و هم در زمان مخاصمه مسلحانه رخ دهند. این مخاصمه می‌تواند بین‌المللی یا غیربین‌المللی باشد؛ همچنین می‌تواند توسط نیروهای دولتی یا منابع غیردولتی ارتکاب یابد (کیتیچایساری، 1382: 94).

در جنایت علیه بشریت لازم نیست گروه خاصی مورد هدف قرار گیرد؛ بلکه ممکن است به‌طورکلی جمعیتی غیرنظامی شامل گروه‌های سیاسی و غیره، موضوع این جنایات‌ها قرار گیرند. همچنین برخلاف جنایت ژنوساید، در جنایات علیه بشریت، قصد مرتکب به نابودی کل یا بخشی از گروه موردنظر شرط نیست (گرهارد، 1387: 59)؛ بنابراین هریک از اعمال مشخص‌شده در بند 1 ماده 7 اساسنامه را که در قالب حمله‌ای گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیتی غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌یابند، شامل می‌شود؛ در نتیجه می‌توان گفت جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل عمومی به اعمال خشونت‌آمیز و قساوت‌باری گفته می‌شود که بر ضد افراد انسانی صورت می‌گیرند. باید توجه داشت این اعمال در قوانین بین‌المللی بالاترین جنایت قانونی نسبت نوع بشر تلقی می‌شوند. براساس معاهده رم، جنایات علیه بشریت مشتمل بر جنایات‌هایی است که کرامت ذاتی انسان را مخدوش ساخته و مقام و منزلت انسانی را پایمال می‌کند. این اعمال به‌ندرت رخ نمی‌دهند و معمولاً بخشی از سیاست‌های سازمان‌یافته حکومت‌ها برای سرکوب مخالفان‌شان یا قسمتی از عملیات گسترده برای چشم‌پوشی عمدی از حقوق بنیادین انبای بشر به قصد نابودی فیزیکی گروه‌های خاص است. درهرحال کشتار، نابودسازی گروهی، تعذیب، هتک ناموس، کشتارهای موسوم به قتل‌های سیاسی، نژادی، قومی یا مذهبی و دیگر اعمال غیرانسانی در نهایت جنایات علیه بشریت بوده و به نوعی بخشی از اعمال سازمان‌یافته گسترده‌ای هستند که توسط جنایتکاران علیه نوع بشر، تدارک و سازمان‌دهی می‌شوند.

موضوع جنایات علیه بشریت در پایان جنگ جهانی اول و پس از انعقاد معاهده ورسای مطرح شد، اما نخستین بار تعریف این جنایات در بند (ج) ماده 6 منشور دادگاه نورنبرگ درج شد. پس از آن قانون شماره 10 شورای نظارت مصوب 20 دسامبر 1945، مصادیق این جنایت را برشمرد.

جنایات علیه بشریت محدود به زمان مخاصمات مسلحانه نیست بلکه می‌تواند در زمان جنگ، صلح یا در اثنای مخاصمات صورت پذیرد. به‌طور کلی جنایت علیه بشریت عبارت است از هریک از اعمال یازده‌گانه‌ای که در چهارچوب حمله‌ای گسترده و هدفمند علیه جمعیت غیرنظامی ارتکاب یابند (شریفی طرازکوهی، 1392: 169). این اعمال یازده‌گانه عبارتند از:

قتل عمد؛ ریشه‌کن کردن؛ به‌بردگی گرفتن؛ تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت؛ حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که برخلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل عمومی انجام بگیرد؛ تعذیب؛ تجاوز جنسی یا هر شکل دیگری از خشونت جنسی همسنگ با آن؛ تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه‌ای مشخص به دلایل خاص؛ ناپدیدسازی اجباری؛ تبعیض نژادی؛ و اعمال غیرانسانی مشابه دیگر که عامدانه به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا تمامیت جنسی و روانی صورت پذیرد (شریفی طرازکوهی، 1392: 170).

### 3. عنصرشناسی کیفری جنایت علیه بشریت: مطالعه موردی عنصر مادی

در جنایات علیه بشریت پیرامون عنصر مادی باید گفت که مجموعه قوانین کیفری وضع شده در جهان، میان قتل و اذیت تفکیک قائل نشده‌اند و مصادیق آن از منظر این قسم قوانین گوناگون است:

3-1. **کشتار:** در بند نخست ماده 7 اساسنامه دیوان کیفری، ماده 6 منشور نورنبرگ، ماده 5 منشور توکیو، ماده 5 اساسنامه دیوان یوگسلاوی و ماده 3 اساسنامه رواندا، به کشتار اشاره شده است. در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، قتل عمد جنایتی پیش‌بینی شده است که به طور صریح در تمامی نظام‌های حقوقی ملی جرم‌انگاری شده است.

3-2. **نابودسازی:** در بند دوم ماده 7 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که از اساسنامه ژنوساید اقتباس شده است، نابودسازی شامل تحمیل عمدی شرایطی بر حیات افراد مانند محرومیت از دسترسی به غذا و دارو شناخته می‌شود که انهدام بخشی از یک جمعیت به حساب می‌آید (آقایی، 1384: 96).

3-3. **برده‌سازی افراد و برده‌داری:** طبق ماده 7 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ماده 6 منشور نورنبرگ، ماده 5 منشور توکیو و ماده 5 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و ماده 3 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا، برده‌سازی افراد و برده‌داری، جنایاتی علیه بشریت کلاسیک محسوب می‌شوند. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تصریح می‌کند نباید این جنایات را به شکل سستی آن

یعنی برده‌داری و تجارت برده محدود کرد. مصادیقی همچون کار اجباری، قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان، و اخراج یا انتقال اجباری جمعیت از جمله مصادیق نوینی است که باید ذیل عنوان برده‌سازی بررسی شوند. پروتکل الحاقی در زمینه پیشگیری، منع و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان کنوانسیون جرایم سازمان‌یافته فراملی سازمان ملل متحد در سال 2003 تصویب شد (آقایی، 1384: 20) که در آن اهتمام جدی به مسئله برده‌سازی افراد و برده‌داری شده است.

3-4. **اخراج یا انتقال اجباری جمعیت:** در بند نخست ماده 7 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ماده 6 منشور نورنبرگ، ماده 5 منشور توکیو، ماده 5 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و ماده 3 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا، بر جنایت اخراج جمعیت تصریح شده است، ولی در مورد موضوع انتقال اجباری جمعیت تصریحی در اسناد دیده نمی‌شود. تفاوت بین اخراج جمعیت و انتقال اجباری آن است که اولی به معنای انتقال یک یا چند نفر از سرزمین یک کشور به سرزمین کشور دیگر است، اما انتقال اجباری جمعیت، به معنای انتقال یک یا چند نفر از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر در سرزمین همان کشور است (قاری سیدفاطمی، 1389: 79).

3-5. **محرومیت شدید از آزادی جسمانی:** در بند اول ماده 7 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که ناظر بر زندانی کردن افراد یا سایر محرومیت‌های شدید از آزادی جسمانی همراه با نقض قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل پیرامون زندان، تعذیب<sup>1</sup> و خشونت جنسی وضع شده است، محرومیت شدید از آزادی جسمانی به‌عنوان جنایات علیه بشریت شناسایی شده است. باید توجه داشت معیار عینی تعذیب به‌عنوان جنایت علیه بشریت عبارت است از: وارد کردن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی به فرد. این معیار عنصر اصلی تعریف تعذیب در حقوق بشر نیز هست. به همین دلیل محاکم بین‌المللی کیفری برای نمونه، به گزارش‌های کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد یا آرای دادگاه‌های بین‌المللی به‌ویژه ممنوعیت تعذیب توجه می‌کنند (یوسفی، 1396: 98).

3-6. **آزار و اذیت:** در ماده 7 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ماده 6 منشور نورنبرگ، بند ج

1. «تعذیب» معادلی است که نگارنده به‌جانشینی عنوان «شکنجه» برگزیده است. دلیل امر آن است که برخلاف عنوان حقوقی «Torture» که بیانگر آزار و اذیت مادی - معنوی و جسمانی - روحانی است، معنای عرفی شکنجه در میان فارسی‌زبانان معمولاً منصرف از آزار معنوی و روحانی است؛ از این رو در راستای انتقال کامل معنای مدنظر به‌کاربردن لفظ «تعذیب» اولویت دارد، زیرا این لفظ دال بر مطلق عذاب‌دادن فرد است؛ اعم از آنکه این عذاب‌دادن مادی و جسمانی باشد یا معنوی و روحانی.

ماده 5 منشور توکیو، ماده 5 اساسنامه دیوان یوگسلاوی و بند ح ماده 3 اساسنامه دیوان رواندا به این نوع جنایت اشاره شده است. عنصر مادی جنایت علیه بشریت از نوع آزار و اذیت، آزار یک گروه یا جامعه قابل تشخیص و متمایز از سایرین به واسطه ویژگی مشترک میان آنهاست. بند دوم ماده 7 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ایداء را که شامل محروم‌ساختن عمدی، مؤثر و جدی یک گروه یا جامعه از حقوق بنیادین خود است، تنها به دلیل هویت متمایزی که به آن تعلق دارند و برخلاف حقوق بین‌الملل عمومی نسبت به آنها اعمال می‌شود، از مصادیق جنایت علیه بشریت از نوع آزار و اذیت قلمداد می‌کند. عنصر معنوی این جنایت در ماده 30 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و بند 2 ماده 7 اساسنامه دیوان آمده است (فاری سیدفاطمی، 1389: 34). مرتکب این جنایت لازم است دست‌کم به طور مشخص فردی را به دلیل عضویت او در گروه یا جامعه معین، موضوع اعمال مجرمانه قرار دهد. خصوصیت جرم اذیت و آزار در تبیین کلاسیک خود شامل انگیزه‌های سیاسی، نژادی یا مذهبی مرتکب می‌شود که در اسناد گوناگونی بیان شده است.

3-7. **مصادیق پراکنده:** طبق بند دوم ماده 7 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ناپدیدشدن اجباری و آپارتاید از مصادیق جنایات علیه بشریت بیان شده است. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی به تبیین و جرم‌انگاری سایر اعمال غیرانسانی همچون فحش‌های اجباری، اتمام ورزیده است. در قضیه «آکایسو» دیوان رواندا، عریان‌سازی اجباری زنان دارای تابعیت تونس را از مصادیق «سایر اعمال غیرانسانی» مندرج در اساسنامه دیوان مزبور برشمرده است. طبق ماده 7 اساسنامه کیفری، ممکن است جرایم گوناگون یک جنایت محسوب شود؛ به عبارت دیگر ممکن است جرایم متعدد ذیل عنوان واحدی مشمول جرم‌انگاری شدیدتری شوند. همچنین هر جرمی که هم در ماده 7 و هم در ماده 8 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری درج شده است یعنی کشتار، تعذیب، تجاوز جنسی و محرومیت از آزادی، ممکن است همزمان مورد توجه قرار گیرند. براساس آرای دیوان بین‌المللی کیفری، جرایم مختلفی که مصداق جنایات علیه بشریت و نسل‌زدایی هستند، این امکان در موردشان وجود دارد که مجازات هر دو جرم به صورت همزمان بر مجرم تحمیل شود.

#### 4. نسل‌زدایی

نسل‌زدایی پدیده نوینی نیست. انسان از هنگام آشنایی با مفهوم مالکیت و قدرت، آزار و کشتار هم‌نوع را نیز آغاز کرده است. کلمه ژنوساید را در فارسی به کشتار جمعی، قتل عام، نسل‌زدایی، زیست‌زدایی و مانند آن ترجمه کرده‌اند (شفیعی، 1392: 169). نخستین بار حقوق‌دان لهستانی، رافائل لمکین<sup>1</sup> به سال 1933 این واژه را در پنجمین کنفرانس وحدت حقوق جزای بین‌المللی در مادرید مطرح کرد. لمکین معتقد بود کشتار جمعی یعنی نابودی یک ملت یا یک قوم و منظور از کشتار جمعی ضرورتاً نابودی یک ملت نیست، بلکه مراد طرحی است مشتمل بر سلسله اعمال متفاوتی که گروه‌های ملی را به ویرانی می‌کشد تا در نهایت به از بین بردن (فیزیکی) این گروه‌ها بیانجامد (شفیعی، 1392: 170).

برخی از حقوق‌دانان کوشیده‌اند تا گستره تعریف ژنوساید را به فراتر از آنچه در کنوانسیون ژنو آمده است، توسعه دهند. در سال 1946، در نشست عمومی سازمان ملل پدیده ژنوساید مورد بحث قرار گرفت. کنوانسیون (قطعنامه 1) 96 مورخ 11 دسامبر 1946) با تأکید بر اینکه به موجب حقوق بین‌الملل کیفری، ژنوساید در دنیای متمدن محکوم است، این وظیفه را به شورای اقتصادی - اجتماعی ملل متحد محول کرد تا مطالعات لازم را در راستای تهیه طرح پیمان مرتبط با ژنوساید صورت دهد. شورای اقتصادی - اجتماعی در چهارمین جلسه خود به موجب قطعنامه شماره (4) 47، قراردادی را مشتمل بر یک مقدمه و 24 ماده تهیه کرد. مجمع عمومی در 21 نوامبر 1947 در قطعنامه شماره (2) 180 که طی آن، قطعنامه درباره ژنوساید مصوب جلسه نخست را که دوباره تأیید شده بود، از تصویب گذراند. مجمع عمومی از شورای اقتصادی - اجتماعی خواست به فعالیت خود در زمینه جلوگیری از پدیده مجرمانه ژنوساید و تکمیل و به‌پایان‌رساندن شکلی و ماهوی پیمان در راستای تحقق بیشینه تأثیرگذاری، ادامه دهد.

سرانجام شورای اقتصادی - اجتماعی پس از برگزاری 180 نشست، در جلسه نهمی و با حضور همه اعضا با 17 رأی موافق، بدون رأی مخالف و یک رأی ممتنع، قطعنامه شماره (6) 117 را در سوم مارس تصویب کرد. چند ماه پس از طرح پیشنهادی، طرح‌های اصلاحی متعددی ارائه شد و بالاخره طرح کنوانسیون در مجمع عمومی با حضور همه اعضا بررسی و رسیدگی شد و در نهم دسامبر 1948 پیمان مزبور در یک مقدمه و 19 ماده به تصویب رسید (محاسب، 1386: 25). در ماده

1. Raphael Lemkin



2 کنوانسیون فعلی، هریک از اعمال ذیل مصداق نسل‌زدایی دانسته شده است؛ منوط به اینکه احراز شود نیت مرتکب از اعمال مزبور، نابودکردن دست‌کم بخشی از گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از نظر عضویت آن‌ها در این گروه‌ها بوده است. این اعمال عبارتند از:

1. قتل عمدی اعضای آن گروه؛
2. ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمانی یا روحی افراد آن گروه؛
3. تحمیل‌کردن عمدی صورت خاصی از شرایط زندگی به گروه معینی با هدف نابودکردن فیزیکی کلی یا جزئی آن‌ها؛
4. اقداماتی که در راستای جلوگیری از تولد و تناسل در آن گروه صورت گیرد؛
5. انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروهی دیگر (محاسب، 1386: 27).

#### 5. عنصرشناسی کیفی نسل‌زدایی: مطالعه موردی عنصر مادی

نسل‌زدایی همانند جنایت علیه بشریت، مشتمل بر یک دسته اعمال و اقدامات است که به مناسبت رخداد آن‌ها با قصد خاص، در حقوق کیفری بین‌المللی عنوان مجرمانه نسل‌زدایی را احراز کرده‌اند و امکان تحمیل مجازات بر مرتکبان وجود دارد. مواردی که در اسناد بین‌المللی مختلف مصادیق عنصر مادی جرم نسل‌زدایی شناسایی و بیان شده‌اند، عبارتند از:

1-5. **کشتار جمعی**: برای تحقق نسل‌زدایی، ارتکاب هر نوع رفتاری علیه گروه‌های موضوع جنایت که در موارد پنج‌گانه ماده 2 کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی و ماده 6 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی عنوان شده است (شریفی طرازکوهی، 1390: 76)، کفایت می‌کند. نسل‌زدایی می‌تواند اقداماتی مانند قتل عمدی افراد یک گروه یا انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروهی دیگر باشد، و یا طبق بند 3 ماده 2 به صورت تحمیل عمدی شرایطی از زندگی به گروه که موجب نابودی مادی کلی یا جزئی آن شود (بیگزاده، 1377: 127)، رخ دهد.

2-5. **آسیب شدید جسمی و روحی**: به‌رغم آنکه این موضوعات در کنوانسیون نسل‌زدایی و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی نشده‌اند، ولی براساس رویه قضایی در پرونده «روزیندانا»، هر نوع عملی که مستلزم تغییر در اندام‌های بدن و موجد اختلال در حواس شخص باشد و اعمال و اقداماتی مانند تعذیب و رفتارهای خشونت‌آمیز غیرانسانی و تجاوز به عنف و به‌طورکلی هر اقدام منجر به اختلال در وضعیت مستقر مجنی‌علیه و ایجاد رعب و وحشت شدید در وی، معیار آسیب

شدید روانی پنداشته است. براین اساس، مجبور کردن قربانی به درازکشیدن در جلوی وسیله نقلیه و تهدید به راندن بر روی او، وادار کردن قربانی به کتک زدن قربانی دیگر و بستن دو قربانی به یکدیگر به منظور خفگی یکی از آنها، از اعمالی هستند که سبب ورود آسیب شدید جسمی یا روحی می‌شوند (یوسفی، 1396: 101) و رویه قضایی بین‌المللی نسبت به انجام آنها از سوی گروه‌های مختلف - به ویژه دولت‌ها و حکومت‌ها - مواضع قاطعی را برگزیده است.

**3-5. استقرار عمدی گروه در شرایط حیاتی نامطلوب منتهی به مرگ تدریجی:** منع دسترسی به آب، غذا و دارو، تخریب گسترده و سازمان‌یافته محل‌های مسکونی، و اخراج به بیابان‌ها و مناطق دارای اقلیم نامساعد برای حیات بشر، گونه‌های مختلفی از شیوه قتل تدریجی گروه‌هاست. براساس بند 3 ماده 2 کنوانسیون نسل‌زدایی و بند ج ماده 6 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، تحقق این جنایت در شرایط تحمیل شرایط زیستی نامناسب در موارد تعلق قربانی یا قربانیان به یک گروه ملی، قومی، نژادی و مذهبی و احراز قصد نابودی کلی یا جزئی گروه مزبور و زوال کلی یا جزئی توان جسمانی آنان تا منتهی شدن به مرگ، میسر خواهد بود. در میان موارد متعدد نسل‌زدایی در دوران اخیر، کلکسیون اقدامات وحشیانه گروه داعش نمونه‌ای از موارد نسل‌زدایی است (بیگزاده، 1377: 78).

**4-5. جلوگیری از زاد و ولد:** از دیگر جلوه‌های نسل‌زدایی، جلوگیری قهری از تولید مثل و زادوولد در گروهی خاص با تمسک به شیوه‌های ضد بشری همانند سقط جنین، جداسازی زنان و مردان از یکدیگر، ممانعت از ازدواج، عقیم‌سازی اجباری و قطع آلت تناسلی است. دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در این زمینه اعلام داشت تجاوز به عنف با هدف جلوگیری از زادوولد، در صورتی که شخص مورد تجاوز از زادن ممنوع شود نیز از مصادیق این اعمال است (یوسفی، 1396: 102).

**5-5. انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر:** بر پایه این اقدام، جنایت‌کاران با ربودن و کوچاندن کودکان یک گروه به گروه دیگر، از آمادگی این کودکان برای جذب در فرهنگ میزبان سوءاستفاده کردند تا به تدریج انسجام درونی و پایه‌های هویت آنان لرزان شده و سرانجام رو به زوال شود. باید توجه داشت اگر ربودن کودکان در راستای این موارد باشد، نسل‌زدایی به شمار می‌رود، ولی اگر با هدف بهره‌کشی جنسی انجام گرفته باشد، قاچاق انسان بوده و موضوع جرم شناسایی شده دیگری در اسناد بین‌المللی است. همچنین انتقال اجباری اشخاص کمتر از 18 سال با هر انگیزه‌ای، مشمول نسل‌زدایی نیست (بیگزاده، 1377: 97).

## 6. مسلمانان فراموش شده برمه

مسلمانان در برمه تفاوت‌های زیادی با دیگر نقاط جهان دارند. تاریخ‌نویسان اشاره‌هایی به حضور مسلمانان در برمه کرده‌اند که نشانگر پیشینه شگفت‌انگیزی از گسترش دین اسلام در نواحی جنوب شرقی آسیاست. از سنن، اقوال، متن، سالنامه‌ها، تاریخچه‌ها و کتب تاریخی برمی‌آید تقریباً از همان سال‌های نخستین قرن اول هجری، بسیاری از اولیا و مبلغان مسلمان به ترویج دین اسلام در سواحل مختلف آسیا مشغول بودند (او، 1383: 286). در دوران معاصر، دولت برمه از سال 1959، به آیین بودایی جایگاهی برتر از سایر ادیان داد و در 1961 با تصویب قانونی، آیین بودایی را دین رسمی برمه معرفی کرد. متأسفانه فشارهایی که بر مسلمانان برمه وارد آمد، موجب آواره شدن آن‌ها در کشورهای مختلف شده است. گفته می‌شود بیش از نیم‌میلیون از مسلمانان برمه‌ای به کشورهای بنگلادش، هند، پاکستان، مالزی، تایلند، سنگاپور، امارات متحده عربی و ممالک دیگر مهاجرت کرده‌اند و هزار مسلمان برمه‌ای نیز در عربستان سعودی سکونت گزیده‌اند (او، 1383: 188).

بیشتر مسلمانان برمه سنی و از مذهب حنفی هستند. مدت‌هاست اقلیت مسلمان کشور برمه، هم از سوی دولت و هم از سوی بوداییان تندرو، مورد سرکوب و خشونت بی‌رحمانه و مستمر قرار دارند. خانه‌های فقیرانه آنان تخریب و به آتش کشیده می‌شود و وادار به ترک خانه و کاشانه‌شان می‌شوند. تاکنون صدها نفر از این مسلمانان در مسیر هجرت و پناهندگی به بنگلادش یا دیگر مناطق مجاور، مظلومانه در دریا غرق شده و جان باخته‌اند. در مجموع، رفتاری که با مسلمانان برمه می‌شود، نامی جز جنایت ندارد. ادعای کذب دولت برمه این است که مسلمانان (افراد قبیله برمه) تبعه برمه نیستند، بلکه مهاجران و پناهندگان غیرقانونی هستند که در سال‌های گذشته به این کشور وارد شده و در آن سکنی گزیده‌اند (پیشوایی، 1395: 5).

براساس گفته سازمان عفو بین‌الملل، مردم مسلمان روهینگیا از سال 1978 همچنان تحت نقض حقوق بشر در دوران حکومت برمه رنج می‌برند و در نتیجه بسیاری از آن‌ها به بنگلادش فرار کرده‌اند (Amnesty International, 2012). در حال حاضر بیش از یک میلیون روهینگایی در میانمار زندگی می‌کنند؛ باین حال، نقض حقوق سازمان‌یافته منجر به افزایش مهاجرت‌ها شده است؛ به‌گونه‌ای که تنها در اوایل سال 2015، حدود 25000 پناهجو، برای پناهندگی به کشورهای همسایه، از ایالت راخین گریخته‌اند (The Economist, 2015).

گفتنی است بهرغم تعهد دولت قانونی میانمار به برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی، قوانین داخلی این کشور گروه‌های مختلف اقلیت به‌ویژه مسلمانان روهینگیا را به شدت تحت فشار قرار می‌دهد. قانون تابعیت 1982 نشان‌دهنده تبعیض نظام‌مند در سطح سیاست‌گذاری توسط دولت میانمار است، تا جایی که آشکارا دسترسی مسلمانان روهینگیا به حقوق اساسی بشر مانند دسترسی به آموزش، اشتغال، ازدواج، زادوولد و آزادی تردد را منع می‌کند (Burmese Rohingya Organisation UK, 2015).

### 7. وضعیت حقوقی اعمال ارتكابی علیه مسلمانان برمه

با توجه به آنچه در مورد وضعیت مسلمانان برمه مطرح شده است، آشکار است که سازمان‌های نظامی برمه از اقداماتی مانند اعمال زور فیزیکی مستقیم و همچنین تهدید و فشار روانی استفاده کرده‌اند تا تبعید و انتقال اجباری مسلمانان برمه را از ایالت آراکان محقق سازند. از چندین دهه پیش، دولت‌هایی که در برمه استقرار می‌یافتند در پی آن بودند تا با بهره‌گیری از سیاست‌هایی همچون افزایش نظامی‌گری، مصادره زمین، جابه‌جایی‌ها و اخراج‌های اجباری، صورت‌بندی قومی مسلمانان را تغییر دهند. اصرار بر انکار تابعیت مسلمانان از سوی دولت برمه، نقض گسترده و فاحش حقوق بشر بوده و موجب فرار هزاران شهروند از کشور شده است تا در وضعیت سرکوب کامل قرار نگیرند. در ارتباط با معاهده رم، به نظر می‌رسد شرایط کلی ارتكاب جنایات علیه بشریت تبعید و انتقال اجباری جمعیت علیه مسلمانان برمه محقق شده است.

مسلمانان غیرنظامی برمه همواره آماج جنایات بوده‌اند و این جنایات بخشی از تجاوزهای گسترده و سازمان‌یافته به این قوم است. مسلمانان برمه که به طور قانونی در ایالت آراکان زندگی می‌کنند، با روش‌های قهرآمیزی آواره شده‌اند که هرگز با استثنای مجازی که در چنین اقداماتی وجود دارد و به روشنی در حقوق بین‌الملل تبیین شده است، قابل توجیه نیست (روستایی و آرش‌پور، 1395: 62). براساس حقوق بین‌الملل، کشورها حق ندارند خودسرانه و غیرقاعده‌مند اتباع خود و حتی بیگانگان را تبعید یا اخراج کنند. باید توجه داشت دولت برمه با وضع قوانین ناعادلانه، حقوق تابعیت مسلمانان این کشور را به صورت مستمر نادیده گرفته است. همچنین دولت برمه نمی‌تواند عمل غیرقانونی خود را مستند حق‌نداشتن بخشی از مردم قرار دهد.

در اعمال خشونت‌آمیز سال‌های اخیر در برمه، مجموعه‌ای متشکل از نیروهای دولتی و توده‌های

مردم با تأیید عملی قتل عام علیه مردم مسلمان روهینگیا، در کشتار و نابودی فیزیکی مسلمانان و اموال و جوامعشان مشارکت کردند. شواهد زیادی نشانگر آن است که در خلال این خشونت‌ها، نیروهای دولتی نقش محوری در نابودسازی مسلمانان و اموال و جوامعشان داشته‌اند. گذشته از این، نهادینه‌سازی تبعیض و تجاوز علیه مسلمانان برمه نشانگر آن است که این اقدامات به قصد اخراج مسلمانان برمه و نابودی آنان بوده است. این واقعیت که نیروهای دولت هم در خشونت‌ها مشارکت داشته و هم مشوق این موارد بوده‌اند، نشان می‌دهد دولت عمداً شرایطی را برای زندگی مسلمانان فراهم آورده است که به نابودی‌شان بیانجامد (Zarni & Cowley, 2014: 713). در واقع می‌توان گفت از پنج عنصر مادی نسل‌زدایی که به‌صراحت در ماده 2 کنوانسیون نسل‌زدایی آمده است، چهار عمل نخست یعنی کشتار عمدی، آسیب‌زدن به جسم و روح گروه‌های قربانی، تحمیل شرایط دشوار زندگی به‌گونه‌ای که به نابودی فیزیکی دست‌کم بخشی از گروه منجر شود، و پیشگیری از تولید مثل گروه، در حین پاک‌سازی قومی مسلمانان توسط حاکمان برمه ارتکاب یافته است (زرنی، 1392: 129).

در 11 نوامبر 2019، گامبیا با حمایت 57 کشور سازمان همکاری اسلامی و به نمایندگی از روهینگیا، شکایتی علیه دولت قانونی میانمار در دادگاه بین‌المللی سازمان ملل متحد ارائه داد (Rohingya Muslims in Europe hopeful for justice, 2019). در این دادخواست ادعا شد میانمار علیه گروه اقلیت مسلمان اقدام به نسل‌کشی کرده و به‌عنوان اختلاف بین ملت‌ها در دادگاه جهانی مطرح شد (Al Jazeera, 2019). در 14 نوامبر 2019، دادگاه کیفری بین‌المللی سازمان ملل متحد، مجوز تحقیقات کامل در مورد جنایات احتمالی علیه روهینگیا توسط مقامات ارشد نظامی و غیرنظامی را صادر کرد (ABC News, 2019). در نهایت دیوان بین‌المللی دادگستری به دولت میانمار دستور داد اقداماتی فوری برای محافظت از مسلمانان «روهینگیا» در پیش بگیرد.

### نتیجه‌گیری

نسل‌زدایی هریک از اقدامات پنج‌گانه بیان‌شده در بندهای ذیل ماده 2 کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی است که با قصد معین‌شده در این ماده ارتکاب می‌یابد. اگر فردی هریک از اعمال پنج‌گانه را انجام دهد ولی قصد نابودی گروه‌های مورد حمایت کنوانسیون را نداشته باشد، عمل او نسل‌زدایی نامیده نمی‌شود. لزوم داشتن سوءنیت در جنایت نسل‌زدایی، وجه تفاوت آن با جنایات علیه بشریت

است؛ بدین معنی که اگر این سوءنیت خاص اثبات نشود، عمل ارتكابی همچنان قابل مجازات است اما نه ذیل عنوان نسل‌زدایی بلکه با عنوان یکی از جرایم علیه بشریت. در مورد جرم نسل‌زدایی نیز باید گفت وقایع و شرایطی مانند حجم وسیع خشونت‌های ارتكاب‌یافته، حملات سازمان‌یافته به قربانیان به علت عضویت در گروهی خاص و تکرار اعمال تخریبی و تبعیضی می‌تواند برای اثبات سوءنیت خاص مرتکب کافی باشد.

جنایت پاک‌سازی قومی از یک سو با جنایات علیه بشریت یعنی عنوان تبعید و انتقال اجباری و از سوی دیگر با نسل‌زدایی مرتبط است. در هر حال می‌توان گفت هزاران مسلمانانی که با وقوع خشونت علیه آنان از برمه متواری شده‌اند، قربانیان جنایت علیه بشریت تبعید هستند. به همین ترتیب، هزاران نفری که به اجبار زمین‌هایشان مصادره شده است اما همچنان در منطقه حضور دارند، بیگانگانی نیستند که در قانون برمه جایگاهی ندارند، بلکه افرادی هستند که تابعیت‌شان دسته‌جمعی و خودسرانه انکار شده و قربانیان انتقال اجباری‌اند؛ بنابراین می‌توانیم قاطعانه استدلال کنیم جنایت علیه بشریت از گونه تبعید و انتقال اجباری به صورت گسترده و سازمان‌یافته‌ای علیه مسلمانان برمه صورت گرفته است و این وضعیت در حقیقت پاک‌سازی قومی است.

طبق رویه قضایی بین‌المللی، در صورتی که پاک‌سازی قومی قصد نسل‌زدایی داشته باشد، می‌تواند شامل برخی اعمال ممنوعه در ماده 2 کنوانسیون نسل‌زدایی شود. همچنین اگر انتقال اجباری جمعیت با اوضاع و احوالی همراه باشد که منجر به مرگ کلی یا جزئی جمعیت انتقال‌یافته شود و قصد نابودسازی گروه قابل‌اثبات باشد، نسل‌زدایی به شمار می‌آید. با توجه به اینکه اقداماتی در جهت پاک‌سازی مسلمانان روهینگیا با هدف نابودسازی انجام شده است و این امر با کشتن اعضای گروه، وارد آوردن آسیب‌های جسمی یا روانی جدی، ایجاد محدودیت در زادوولد و تحمیل عامدانه شرایطی که به نابودی فیزیکی گروه می‌انجامد همراه بوده است؛ از این رو می‌توان گفت وقوع نسل‌زدایی علیه مسلمانان میانمار محرز به نظر می‌رسد. در واقع، نسل‌زدایی جدی‌ترین جنایتی است که در برمه در حال رخ دادن است. از سوی دیگر، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری رواندا و یوگسلاوی سابق در هم‌پوشانی دو جرم جنایات علیه بشریت و نسل‌زدایی ترجیح می‌دهند متهم را به ارتكاب نسل‌زدایی محکوم کنند؛ از این رو نسل‌زدایی نامیدن اقدامات پاک‌سازی قومی علیه مسلمانان برمه با رویه قضایی نیز سازگار خواهد بود. به نظر می‌رسد رویه قضایی براساس اصول کلی در حقوق کیفری عمل کرده است که براساس آن

هرگاه فعل واحد دارای عناوین مجرمانه متعددی باشد، متهم به مجازاتی محکوم می‌شود که اشد است؛ چه آنکه جنایت نسل‌زدایی در رأس جرایم شدید بین‌المللی قرار دارد. این واقعیت را دادگاه بین‌المللی کیفری روآندا به‌صراحت اعلام کرده که نسل‌زدایی جرم‌الجرایم است و به‌هنگام تصمیم‌گیری در مورد مجازات مجرم باید این واقعیت را در نظر گرفت.

حقیقت آن است که جامعه بین‌المللی از نسل‌زدایی نامیدنِ ظلمی که در دهه‌های اخیر بر مسلمانان روهینگیا تحمیل شده است، خودداری کرده و این امر موجب ادامه‌یافتن اقدامات خشونت‌بار دولت برمه علیه مسلمانان روهینگیا شده است. قصد دولت از پاک‌سازی قومی آنان نه تنها تبعید و انتقال اجباری از ایالت راخین است، بلکه با توجه به پیاده‌سازی انواع سیاست‌های تبعیض‌آمیز، نابودسازی آنان را نیز هدف قرار داده است؛ بنابراین درج اعمال ارتكابی علیه مسلمانان برمه ذیل عنوان جنایت علیه بشریت برای نشان‌دادن اینکه قصد نابودسازی محور تجاوز به حقوق مسلمانان برمه بوده است، کفایت نمی‌کند؛ بنابراین و با توجه به شدت اعمال ارتكابی واقع شده، نسل‌زدایی نامیدن این جنایات برتری دارد؛ زیرا به‌طورکلی نسل‌زدایی عنوانی شدیدتر از جنایت علیه بشریت است و با مصادیق روی‌داده سازگارتر است. البته در سال‌های اخیر اهتمام و اتحاد جدی‌تری میان کشورهای اسلامی در حمایت از مسلمانان روهینگیا شکل گرفته است و نتایج روشنی را در پی داشته است، ولی مبارزه با ظلم علیه مسلمانان به‌طورخاص و انسان‌ها به‌طورعام، نیازمند همگرایی جدی و فراگیر دولت‌ها فارغ از منافع اقتصادی و سیاسی است.

### فهرست منابع

- او، چوامین (1383)، «گزارش: ادیان و مذاهب در کشور برمه»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره 10 و 11. تابستان و پاییز.
- آقایی، سید داوود (1384)، نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران: نسل نیکان.
- بیگزاده، ابراهیم (1377)، «بررسی جنایات نسل‌زدایی و جنایات ضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 22.
- پیشوایی، مهدی (1395)، «مسلمانان فراموش‌شده برمه»، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره 670.
- روستائی، علی‌رضا؛ آرش‌پور، علی‌رضا (1395)، «پاک‌سازی قومی مسلمانان برمه؛ جنایت علیه بشریت یا نسل‌زدایی»، پژوهش حقوق کیفری، شماره 15، تابستان.
- روستائی، علیرضا؛ حق‌سرشت، میثم (1392)، «بررسی پاکسازی قومی و ژنوساید فرهنگی به‌عنوان بعدی از نسل‌زدایی با تأکید بر انتقال اجباری کودکان»، نشریه کانون وکلای دادگستری، شماره 29 و 30، بهار و تابستان.
- زرنی، ماونگ (1392)، «ناسیونالیسم بودایی در برمه: نسل‌زدایی و نژادپرستی نهادینه علیه مسلمانان روهینگیا»، ترجمه جواد طاهری، ماهنامه سیاحت غرب، شماره 118 و 119.
- شریفی طرازکوهی، حسین (1390)، حقوق بشر (ارزش‌ها و واقعیت‌ها)، تهران: میزان.
- شریفی طرازکوهی، حسین (1392)، زمینه‌ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی، تهران: میزان.
- شفیعی بافتی، نگین (1392)، ابعاد حقوقی بین‌المللی مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی، تهران: میزان.
- عزیزی، ستار (1386)، «حمایت از حق موجودیت اقلیت‌ها در پرتو مجازات مرتکبان ژنوساید در رویه قضایی بین‌المللی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: دوره 37، شماره 4.
- فتح‌پور، فاطمه؛ قلندری، مرضیه (1392)، «بحران برمه، آزمونی برای شورای امنیت در چهارچوب نظم حقوقی بین‌المللی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره 23.
- قاری سیدفاطمی، سید محمد (1389)، حقوق بشر در جهان معاصر، ج دوم، تهران: شهر دانش.
- کیتیچایساری، کریانگساک (1382)، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان، تهران: دانشور.
- گرهارد، ورله (1387)، «حقوق کیفری بین‌المللی»، ترجمه امیرساعد وکیل، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره 39.
- محاسب، مهین‌دخت (1386)، کشتار جمعی (ژنوساید)، تهران: گنج دانش.



مفضلی، حسین (1373)، برمه (برمه)، انتشارات وزارت امور خارجه.

یوسفی میانجی، عبدالرضا (1396)، «جامعه جهانی و مواجهه با نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت»، پژوهش ملل، دوره دوم، شماره 22، مهرماه.

ABC News (2019), "57 countries sue Myanmar over reported genocide of Rohingya in historic lawsuit", Archived from the original on 10 December 2019, Retrieved 10 December 2019.

Al Jazeera (2019), "Gambia files Rohingya genocide case against Myanmar at UN court", Archived from the original on 9 December 2019, Retrieved 10 December 2019.

Amnesty International (2012), Muslims in Burma's Rakhine state abused, 20 July 2012.

Burmese Rohingya Organisation UK (2015), A Briefing by Burmese Rohingya Organisation, UK, January 2015.

Chan, Aye; Zan, Shw U. (2005), "Influx Virus-The illegal Muslims in Arakan", Available from: <http://www.networkmyanmar.org/images/stories/PDF15/Influx-Virus>.

Cherif Bassiouni, M. (2011), Crimes against Humanity: Historical Evolution and Contemporary Application, Cambridge: Cambridge University Press

Hochschild, A. (1999), King Leopold's Ghost: A Story of Greed, Terror and Heroism in Colonial Africa, Houghton Mifflin

Human Rights Watch (2013), "All you Can do is pray: Crimes against humanity and ethnic cleaning of Rohingya Muslims in Burma's Arakan state", 165 p., Available from: [http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/burma0413webwcover\\_0.pdf](http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/burma0413webwcover_0.pdf).

Luban, David (2004), "A Theory of Crimes Against Humanity", The Yale Journal of International Law, 29.

Rohingya Muslims in Europe hopeful for justice (2019), [www.aa.com.tr](http://www.aa.com.tr), Archived from the original on 10 December 2019. Retrieved 10 December 2019.

Rubenstein, James M. (2008), The Cultural Landscape: An Introduction to Human Geography. Pearson.

Schabas, William (2009), Genocide In International Law The Crime of Crimes, New York: Cambridge University Press, second edition.

Szep, Jason; Marshall, Andrew R. C (2013), "Myanmar minister backs two-child policy for Rohingya minority", Reuters, June 11, 2013.

The Economist (2015), The Rohingyas: The most persecuted people on Earth?, 13 June 2015.

Zarni, Maung; Cowley, Alice (2014), "The Slow-Burning Genocide of Myanmar's Rohingya", Pacific Rim Law & Policy Journal, 23/3: 682-752, Available from: [http://www.academia.edu/7787141/compilation\\_2014\\_pacific\\_rim\\_law\\_and\\_policy\\_journal\\_association\\_the\\_slow-burning\\_genocide\\_of\\_myanmars\\_rohingya](http://www.academia.edu/7787141/compilation_2014_pacific_rim_law_and_policy_journal_association_the_slow-burning_genocide_of_myanmars_rohingya).

